

دستور زبان

انگلیسی

سطح پیشرفته

نویسنده

محمد آذروش

عضو هیئت مدرسین دانشگاه جامع علمی کاربردی

مدرس طرح آموزش ضمن خدمت دبیران آموزش و پرورش

پیشگفتار

در کتاب حاضر نظام حاکم بر ساخت جمله های دستوری در زبان انگلیسی در سطح پیشرفته مورد بررسی قرار گرفته اند .

فعل هاي دو كلمه اي

Two word verbs

افعال دو كلمه اي كه به تركيب هاي اصطلاحی نیز شهرت دارند مجموعه هایی از يك فعل و يك بخش اضافه به شمار مي آيند كه مفهومی قراردادی داشته و معنای آنها عموماً از برآيند معنی اجزاء آنها به دست نمی آید . این تركيب ها به تناسب بخش دوم خود به دو گروه جدا نشدنی و جدا شدنی به شرح زیر طبقه بندی می شوند:

Two word verbs – also known as expressions – are expressions made up of a verb and another morpheme whose meanings are not denoted by the meanings of the parts composing them . Regarding their second part , these expressions are classified as “seperatable” and “unseperatable” expressions .

الف – تركيب هاي جدا نشدنی : عناصر تشکیل دهنده ي این تركيب ها يك فعل و يك حرف اضافه است كه از فعل جدا نشدنی بوده و هیچ سازه ي اسمی نمی تواند بین آنها قرار گیرد.

A - Seperatable expressions: These expressions are composed of a verb and a preposition between which no noun phrase can stand.

Examples: look for جستجو کردن look at نگاه کردن

ب – تركيب هاي جدا شدنی : این تركيب ها از يك فعل و يك جزء اضافه – كه عموماً نقش قیدی دارند – تشکیل شده و سازه هاي اسمی محدود می توانند میان آنها قرار بگیرند.

B – Unseperatable expressions: These expressions are composed of a verb and a particle between which a limited noun phrase can stand.

Examples: put on پوشیدن write down نوشتن

Intensifiers

تشدید کننده ها کلمه هایی هستند که به تنهایی کاربردی نداشته و با همراه شدن با قید یا صفت حالت میزان آنها را تشدید می کنند . نقشی ترین تشدید کننده ها عبارتند از:

Intensifiers are the words accompanying adverbs and adjectives to intensify their degrees. Intensifiers are not used without adverb or adjective. The most functional intensifiers are :

So

معنی این کلمه "آنقدر" است . این کلمه صفت را در آن دسته از گروه های اسمی که صفت بدون همراهی مستقیم اسم به کار رفته است تشدید می کند . قرار گرفتن این تشدید کننده در جمله کاربرد یک جمله واره ی متمم را به عنوان دلیل این تشدید ضروری می سازد . این کلمه را می توان برای تشدید صفت های کمیتی زیر هم به کار برد:

so many / so much / so little / so few

This intensifier is used with the adjectives which are not accompanied by a noun. The sentence in which "so" is used as an intensifier is accompanied by a complement clause as the reason of intensification.

Example: The child is so young that he can not talk .

تذکر : در صورت کاربرد این کلمه برای صفت همراه با اسم محل قرار گرفتن آن درست قبل از صفت خواهد بود.

Note: "So" if used with an adjective accompanied by a noun , will be located right before the adjective .

Example: so good a book / so sweet an apple

Such

معني این کلمه "آنچنان" است و صفت را در آن دسته از گروه های اسمی تشدید می کند که با اسم همراه باشند.

قرار گرفتن این تشدید کننده در جمله کاربرد یک جمله واره ی متمم را به عنوان دلیل تشدید ضروری می سازد.

این کلمه با اسم تنها هم به کار می رود.

eg . such a man / such an apple

This intensifier is used with the adjective accompanied by a noun. It can also be used with a noun alone. A sentence in which "such" is used is accompanied by a complement clause as the reason of intensification.

Example: He is such a literated man that you can ask him anything you like.

Too

معني این کلمه "بیش از حد" است و با قرار گرفتن قبل از قید یا صفت حالت آن را در حدی تشدید می کند که امکان انجام فعل- که به شکل مصدر کامل متعاقب آن قرار می گیرد - از بین می رود و به همین دلیل به آن تشدید کننده ی منفي نیز می گویند.

The word means "quite excessive" which intensifies the adverb or the adjective to a degree at which the verb succeeding it in the form of an infinitive can not take place. The word also known as a negative intensifier.

Example: The child is too young to talk .

تذکر : در صورتی که تشدید قید یا صفت رویداد فعل را برای صرفاً اسم مشخصی غیر ممکن سازد این اسم در حالت متممی و در قالب یک گروه حرف اضافه ای قبل از مصدر قرار می گیرد . در این حالت نباید مفعول جمله را که در قالب فاعل جمله معرفی شده است بعد از مصدر به کار برد.

Note: If the intensified adverb or adjective is supposed to restrict the nonoccurrence of the verb for a particular noun, the noun is inserted in a prepositional phrase of “for”, then inserted before the infinitive. The object of the sentence is not allowed to be inserted after the infinitive as it is introduced by the occurrence of the subject at the very beginning of the sentence.

Example: The shoes are too small for Jack to wear .

Enough

معني اين كلمه "در حد كافي" است و با قرار گرفتن بعد از قيد يا صفت حالت درجه ي آنها را تا اندازه اي تشديد مي كند كه رويداد فعلي كه پس از آن به شكل مصدر كامل مي آيد امكان پذير شود . در دستور زبان اين كلمه به عنوان تشديد كننده ي مثبت نيز شناخته مي شود.

The word means “sufficient”, and when standing after an adverb or an adjective, the degree of the preceding modifier is intensified to the level at which the verb succeeding it in the form of an infinitive can take place. The word is known as a positive intensifier.

Example: The child is old enough to go to school.

اين كلمه در صورتي كه بدون صفت و به تنهائي همراه با اسم به كار رود يك صفت به شمار مي آيد

This word, when used before a noun alone, is considered an adjective .

Example: We have enough money to buy that car .

تذکر : در صورتي كه تشديد قيد يا صفت رويداد فعل را براي صرفا اسم مشخصي ممكن سازد اين اسم در حالت متممي و در قالب يك گروه حرف اضافه اي قبل از مصدر قرار مي گيرد . در اين حالت نبايد مفعول جمله را كه در قالب فاعل جمله معرفي شده است بعد از مصدر به كار برد.

Note: If the intensified adverb or adjective is supposed to restrict the occurrence of the verb for a particular noun, the noun is inserted in a prepositional phrase of “for”, then inserted before the infinitive. The object of the sentence is not allowed to be inserted after the infinitive as it is introduced by the occurrence of the subject at the very beginning of the sentence.

Example: The shoes are large enough for the men to wear .

Still

معني اين كلمه "كماكان" بوده و بيانگر آن است كه منوال رويداد يا عدم رويداد فعل بدون تغيير نسبت به گذشته جريان دارد . اين كلمه قبل از فعل در دو حالت مثبت يا منفي به كار مي رود.

The word denotes “as before” representing the feature in which the action taking place in the past happens in the present without any stop. The word stands before verbs either in the form of positive or negative.

Examples: The woman still lives in that old house .

They still don't like to leave the city.

Any more

معني اين اصطلاح "از آن به بعد" بوده و دلالت بر رويداد فعلي مي كند كه در گذشته انجام مي شده اما انجام آن متوقف شده است . کاربرد اين اصطلاح در جمله هاي منفي و در انتهاي گروه فعلي آن است .

The expression denotes “no longer” representing a verb which took place in the past but no longer takes place in the present .This expression is used at the very end of the verb phrases in negative sentences.

Example: I don't smoke any more . (..... I smoked before .)

Already

معني اين كلمه "قبلا" است و دلالت بر رویداد فعلي مي کند که انجام آن قبل از زمان مورد انتظار صورت گرفته است . محل قرار گرفتن آن در جمله هاي مثبت و درانتهاي گروه فعلي جمله ويا قبل از فعل اصلي (بين فعل کمکي و فعل اصلي) است.

The word denotes "before" implying the occurrence of a verb before the expected time. It is used at the very end of the verb phrases or before the main verb (between the auxiliary and the verb) in positive sentences .

Example: We have finished their homework already.

They already have an expensive car.

Yet

معني اين كلمه "هنوز" است که با کاربرد در جمله هاي منفي دلالت بر عدم رویداد فعل در زمان مورد انتظار دارد . کاربرد اين كلمه در جمله هاي پرسشي نیز دیده مي شود . محل قرار گرفتن آن در انتهاي در ابتدای جمله نیز در قالب ترکیب as yet . گروه فعلي بوده و به کار مي رود.

The word denotes "not till now". It implies that the action has not taken place by the time expected. Being used in negative sentences, and sometimes in interrogative sentences, it is placed at the very end of the verb phrase, and sometimes in the expression "as yet" at the very beginning of the sentence.

Examples: They haven't arrived yet .

As yet , they have not replied our application .

Used to

معني اين ترکیب "سابقا" است و با قرار گرفتن قبل از ریشه ي مصدر دلالت بر انجام کاري مي کند که در زمان گذشته به شکل عادت انجام مي شده اما در زمان حال دیگر انجام نمي شود.

The expression which stands before the root of an infinitive implies an action which took place as a habit in the past but now does not go on.

Example: He used to smoke cigarettes. (..... He doesn't smoke cigarettes now.)

Be used to

مفهوم این ترکیب "عادت داشتن" است و دلالت بر کاری دارد که انجام آن به شکل روزمره و عادت صورت میگیرد. صورت فعل اصلی پس از این ترکیب

ing است.

This expression denotes "a current habit" of doing a routine action. The verb after this expression is used in "ing" form.

Example: I am used to getting up early in the morning.

Get used to

مفهوم این ترکیب "عادت کردن" است و دلالت بر انجام کاری دارد که وقوع روزمره ی آن در آینده صورت خواهد گرفت. صورت فعل اصلی بعد از این ترکیب به شکل

ing است.

This expression implies a habit which does not currently exist but is supposed to take place in future. The verb after this expression is used in the form of gerund ("ing" form).

Example: You should get used to getting up early.

Had better

مفهوم این ترکیب "بہتر است" بوده و قبل از ریشه ی مصدر قرار می گیرد. اجزاء این ترکیب از یکدیگر تفکیک ناپذیر بوده و نباید آنها را به شکل مجزا و یا غیر از شکل ثابتی که در ترکیب دارند به کار برد.

The expression means "it's better that". It stands before the root of an infinitive. The components composing this expression are unseperatable, in other words, the expression is fixed with a definit meaning.

Example: You had better answer his question .

Would rather

مفهوم این ترکیب "ترجیح دادن" است که هم با گروه اسمی همراه با to و هم با ریشه ی مصدر به کار می رود .

The denotative meaning of the expression is "to prefer" which stands either with a noun phrase (with the relevant preposition "to") or an infinitive without to.

Examples: I would rather tea to coffee.

I would rather go on a picnic.

صفت های فاعلی و مفعولی

Present and Past participles

صفت های فاعلی و مفعولی صفت هایی هستند که مفهوم آنها اساسا ریشه در فعل داشته و ساخت آنها به نوعی وابسته به پتانسیل رویداد افعالی خاص است.

Present and past participles are those participles whose meanings basically originate in verbs and their existence somehow depends on the occurance of particular verbs.

به جمله زیر توجه کنید:

The wolf terrifies the children.

گرگ بچه ها را می ترساند .

در این جمله "گرگ" فاعل " و " بچه ها" مفعول و فعل جمله "می ترساند" است.

In this sentence, "the wolf" is the subject, "the children" is the object and "terrifies" is the verb .

حالتی که در فاعل جمله (بر اثر انجام فعل – ترساندن) پدید می آید صفت فاعلی نامیده شده و حالتی که در مفعول جمله (بر اثر واقع شدن تحت تاثیر فعل- ترسیدن) پدید می آید صفت مفعولی نامیده می شود.

Present participle : infinitive root + ing

Past participle(regular verbs) : infinitive root + ed

The feature appearing in the subject (due to the verb-terrify) is termed present participle (which is made out of the root of the verb attached with the suffix "ing") and the feature appearing in the object (due to the influence of the verb -terrify)is termed past participle (which is made out of the root of the verb attached with the suffix "ed " for the regular verbs) .

The wolf is terrifying.

گرگ وحشت آور است.

The children are terrified.

بچه ها وحشت زده هستند.

بسیاری از اوقات می توان عامل صفت مفعولی را همراه با حرف اضافه ی خاص صفت مفعولی و پس از آن معرفی کرد.

Most of the times , the subject of the past participle can be mentioned along with the past participle by the help of a particular preposition .

The children are terrified of the wolf.

بچه ها از گرگ وحشت دارند.

Reduction of complement clauses to phrases

کاهش جمله واره ي متممي به گروه

جمله واره هايي که زمان آنها يکي از دو حالت گذشته ي استمراري يا گذشته ي کامل است به شرح زیر قابل کاهش به گروه هستند:

Clauses whose tenses are either past continuous or past perfect can be reduced to a phrase as the following:

الف – جمله واره هاي داراي زمان گذشته ي استمراري : مشروط بر يکسان بودن فاعل هر دو جمله واره کلمه ي ربط متممي جمله واره ي وابسته همراه با فاعل و مشتق فعل بودن حذف مي شود و آنچه باقي مي ماند گروه ي هم معني با جمله واره ي وابسته است.

A - Clauses with past continuous tenses : In case that the subjects of both clauses are the same ,the conjunction of the dependent clause along with the subject and the verb “be” are deleted , the remaining is the phrase with the same meaning and the same application as the relevant dependent clause .

Example: While I was walking in the park, I saw my friend .

Clause reduced to a phrase: Walking in the park, I saw my friend .

ب - جمله واره هاي داراي زمان گذشته ي كامل : مشروط بر يكسان بودن فاعل هر دو جمله واره ابتدا كلمه ي

ربط متممي همراه با فاعل جمله واره ي وابسته حذف شده و پس از آن فعل كمكي گذشته ي كامل همانند مثال به كارمي رود.

B- Clauses with past perfect tense : In case that the subjects of both clauses are the same , the conjunction of the dependent clause along with the subject are deleted and the auxiliary “had” changes to “having” preceding the past participle like the following example :

After he had learned English , he went to England .

Clause reduced to a phrase : Having learned English , he went to England .

افعال حسي

Perceptive verbs

افعال حسي آن دسته از افعال هستند كه فاعل به كمك حواس اصلي خود آنها را دريافت يا احساس مي كند.

Perceptive verbs are that group of which the subject perceives with his / her senses .

شكل افعالي كه پس از افعال حسي به كار مي روند به دو صورت ريشه ي مصدر يا همراه با پسوند استمراري با مفاهيم متفاوت و به شرح زير است:

Verbs used after perceptive verbs appear in two forms of infinitive without “to” and continuous form with “ing” suffix representing two different meanings as the following :

الف- صورت ریشه ی مصدر بعد از افعال حسی : دلالت بر آن دارد که فاعل رویداد آن فعل را از ابتدای انجام آن دریافت کرده است.

A- Infinitive without “to” after the perceptive verbs: This feature denotes that the subject has perceived the occurrence of the verb from the very beginning .

Example: I was in the bus stop . Mr Brown left the shop. I saw him.

I saw Mr brown leave the shop.

ب- صورت استمراری فعل بعد از افعال حسی : دلالت بر آن دارد که فاعل رویداد فعل را نه از ابتدای آن بلکه از میانه ی روی دادن آن دریافت کرده است.

B- The continuous form of the verb after the perceptive verbs : This feature denotes that the subject has perceived the occurrence of the verb not from the beginning , but while it was going on .

Example : Mr Brown was waiting for the bus . I saw him .

I saw Mr Brown waiting for the bus .

فعل های کمکی معین

Modal auxiliaries

معین به آن دسته از افعال کمکی اطلاق می شود که با همراه شدن با فعل های اصلی ویژه گی خاصی را به آن القا می کنند اما به دلیل وابستگی مستقیم به فعل اصلی هرگز نمی توانند در یک جمله ی کامل به تنهایی به کار روند.

Modals denote those auxiliaries which stand along with main verbs to influence them with the particular meanings they have .They are directly dependent on the main verbs and can not occur in a complete sentence by themselves.

پرکاربردترین افعال کمکی معین عبارتند از:

The most usual auxiliaries are :

will/ would / shall/ should/can / could / may / might / must / ought to

باید / باید / ممکن است/ممکن است/ توانستن / توانستن / شاید که باید/ آینده / شاید / آینده

افعال اصلی به دو شکل و به شرح زیر همراه با فعل های کمکی معین به کار می روند:

Main verbs stand in two forms after the modal auxiliaries as the following :

الف – شکل ریشه ی مصدر : همراهی آنها با فعل کمکی معین به تناسب معنای القا شده دلالت بر زمان آینده دارد.

A – Infinitive without “to” : Regarding the meaning of the modal , the verb represents a future tense .

Examples : They will apply for the visa .

آنها درخواست ویزا خواهند کرد .

They would ask you to help them .

آنها شاید از تو بخواهند تا کمکشان کنی .

We shall finish it within two days.

ما آن را ظرف مدت دو روز تمام خواهیم کرد .

I should complete the painting.

من باید آن نقاشی را کامل کنم .

I can lift that heavy box.

من می توانم آن جعبه ی سنگین را بلند کنم.

He could pass his exams.

او توانست در امتحاناتش قبول شود .

He can sit over there.

او می تواند (اجازه دارد) آنجا بنشیند .

You could leave the class.

شما می توانید (اجازه دارید) از کلاس بیرون بروید .

He may answer it .

او ممکن است (اجازه دارد) به آن پاسخ دهد .

She might take another piece.

او ممکن است (اجازه دارد) یک تکه ی دیگر بردارد .

You must obey the rules.

شما باید از مقررات پیروی کنید .

He ought to return the book soon .

او باید زود کتاب را برگرداند .

ب – شکل زمان کامل فعل : همراهی فعل کمکی معین با شکل کامل فعل اصلی مطابق با مثال های زیر
بر زمان گذشته دلالت دارد

B- Modals with the perfect form of the verbs denote the past tense like the followings :

Examples: I will have finished the job by tomorrow.

تافرد آن کار را تمام کرده ام.

He would have left there.

شاید آنجا را ترک می کرد.

We shall have arrived by tomorrow this time.

فردا این موقع رسیده ایم.

We should have left there earlier.

(الزام) باید زودتر آنجا را ترک می کردیم .

He can have paid the bill.

(امکان) می تواند صورت حساب را پرداخت کرده باشد .

She could have forgotten the key..

(احتمال) او می توانسته کلید را فراموش کرده باشد .

They may have done it.

(امکان) آنها ممکن است آن را انجام داده باشند.

They might have broken it.

(احتمال) آنها ممکن است آن را شکسته باشند.

He must have visited him before.

(استنباط) او باید قبلا آنها را ملاقات کرده باشد.

You ought to have cleaned it .

(الزام) باید آن را تمیز می کردی.

کاهش جمله واره های موصولی

Reduction of relative clauses

آن دسته از جمله واره های موصولی که در ابتدای خود یک ضمیر موصولی فاعلی داشته باشند با یکی از شرط های زیر قابلیت کاهش به سطح یک گروه را دارند:

Relative clauses initiated in a subjective relative pronoun can be reduced to a phrase if they are in one of the following conditions :

الف – ضمیر موصولی با فعل بودن و فعل استمراری همراه باشد.

A-The relative pronoun is succeeded by “be” and a verb attached with the suffix “ing” .

ب- ضمیر موصولی با فعل بودن و صفت مفعولی همراه باشد.

B-The relative pronoun is succeeded by “be” and a past participle .

ج- ضمیر موصولی با فعل بودن و یک گروه اسمی همراه باشد.

C- The relative pronoun is succeeded by “be” and a noun phrase .

در هر یک از این سه حالت ضمیر موصولی همراه با فعل بودن حذف می شود.

د- ضمیر موصولی همراه با فعل : در این صورت با حذف ضمیر موصولی فعل به شکل اسم مصدر به کار می رود.

D- The relative pronoun along with verb : In this case the verb is used in grund form after the relative pronoun is omitted.

Examples: The man who is speaking English..... The man speaking English...

The man who was seen in the forest.....The man seen in the forest...

The man who is at the doorThe man at the door

In either of the conditions above , the relative pronoun is deleted along with the verb “be” .

A man that repairs bicyclesA man repairing bicycles.....

جمله وارہ های وابسته ای که از لحاظ فاعل با جمله وارہ اصلی همسان باشند را نیز می توان با حذف کلمہ پیرو سازدر سطح گروه کاهش داد.

Dependent clauses whose subject is the same as the main clause can be reduced to a phrase by omitting the correlative conjunction .

Example (a) : While I was walking in the park, I saw them .

Walking in the park, I saw them .

Example (b) : After I had written the book, I revised it .

Having written the letter, I revised it .

وجه مجهول

Passive voice

وجه مجهول مربوط به جمله هایی است که در آنها فاعل جمله یا معرفي نشده و یا در جایگاه اصلي خود قرار ندارد . زیر ساخت هر جمله ي مجهول یک جمله ي معلوم است که حد اقل از یک فاعل یک مفعول و یک فعل گذرا(متعدي) تشکیل شده است . تعداد روساخت های مجهولي مربوط به هر جمله

بستگی به تعداد مفعول های موجود در ژرف ساخت آن دارد که در انگلیسی معمولاً دو مفعول – یک مفعول مستقیم و یک مفعول غیر- مستقیم را شامل می شود.

Passive voice refers to the sentences in which the subject is not mentioned or if it is , it is not located in the subject constituent. Deep structure of every passive sentence is an active sentence in which there exist at least a subject , an object and a transitive verb .The number of the passive sentences out of an active sentence depends on the number of the objects in the sentence; in English , the number of the objects comes to two , a direct object and an indirect object .

فرایند ساخت جمله ی مجهول

The process of making passive voice

ساخت جمله های مجهول از جمله های معلوم مطابق با فرایندهای زیر است:

The procedur to make passive sentences out of active sentences is as the following :

-تعیین اجزای موثر در ساخت وجه مجهول : فاعل / مفعول (مستقیم و غیر مستقیم) / فعل و زمان فعل / قیدحالت

-جایگزینی مفعول (مستقیم یا غیرمستقیم) در حالت فاعلی در جایگاه فاعل جمله ی جدید

-صرف فعل "بودن" متناسب با زمان جمله ی معلوم و فاعل قبل از آن

-کاربرد صفت مفعولی مربوط به فعل اصلی

-در صورت ذکر فاعل جمله ی معلوم کاربرد آن در شکل متممی

-ترجیحاً" در صورت وجود قید حالت کاربرد آن قبل از صفت مفعولی

١- Identification of the components of the sentence , subject , object (direct and indirect) , verb and the tense of the verb , adverb of quality

٢- Substitution of the object for the subject in its subjective case

٣- Inflection of the verb “be” according to the subject and the tense of the active sentence

٤- Application of the past participle of the main verb

٥- To mention the agent , the insertion of the subject in object form succeeding with “by”

Note : In passive sentences ,the adverb of quality preferably precedes the past participle.

Example : He will give her the flower politely .

The flower will be politely given to her by him .

She will be politely given the flower (by him) .

جمله هاي شرطي

Conditional sentences

جمله هاي شرطي به آن دسته از جمله ها گفته مي شود که در آنها انجام یک فعل منوط به روي دادن یک فعل ديگر است . هر جمله ي شرطي از دو جمله واره که يکي جمله واره ي وابسته (جمله واره ي شرط) و ديگري جمله واره ي اصلي (جواب شرط) است تشکیل مي شود که مي توان به فراخور آنها را بايکديگر جابه جا کرد.

Conditional sentences are the group of sentences in which the occurrence of a verb depends on the occurrence of another verb .Every conditional sentence is composed of two clauses ,a dependent clause and a main clause which can be interplaced .

جمله هاي شرطي از نظر امکان وقوع به سه گروه تقسيم مي شوند:

شرطي نوع اول : شرطي امکان پذير

شرطي نوع دوم : شرطي محتمل

شرطي نوع سوم : شرطي غير ممکن

According to the possibility of occurrence, conditional sentences are categorized into three groups as the following :

۱- Conditionals type one : possible

۲- Conditionals type two : probable

۳- Conditionals type three : impossible

شرطي هاي نوع اول : اين دسته از شرطي ها بر زمان آينده دلالت داشته و امکان رويدادن فعل در آنها بسيار زياد است. زمان فعل جمله واره ي شرط در آنها "حال ساده" و زمان فعل جمله واره ي جواب شرط "آينده ي ساده" است. در آن دسته از جمله هاي شرطي كه امکان وقوع فعل جمله واره ي جواب شرط قطعي است صرف فعل در هر دو جمله واره ي شرط و جواب شرط در زمان حال ساده است.

Conditionals type one : This type of conditionals deal with future in which the possibility of the occurrence of the verb in the main clause is high .In this type , the tense of the verb in the dependent clause is "simple present", and the tense of the verb in the main clause is "simple future" .

Note : In the conditionals dealing with regular occasions , the verb tense in both clauses is "simple present".

Examples : If you study your lessons , you will pass your tests next year .

If you heat water , it boils .

شرطي هاي نوع دوم : اين دسته از شرطي ها بر زمان حال دلالت داشته و احتمال رويدادن فعل در آنها بسيار كم و بعيد است . زمان فعل جمله واره ي شرط در اين دسته "گذشته ي ساده" و زمان فعل جمله اينده در گذشته ي ساده" است .

Conditionals type two : This type of conditionals deal with present tense in which the probability of the occurrence of the verb in the main clause is too little . In this type , the tense of the verb in the dependent clause is "simple past" and the tense of the verb in the main clause is "simple future in past". "Were" is preferably used for all subjects in this type of conditionals.

Example : If you studied your lessons now , you would pass your tests .

If I were you , I would ask him to come .

شرطي هاي نوع سوم : اين دسته از شرطي ها بر زمان گذشته دلالت دارند كه امكان رويداد فعل در آنها ديگر وجود ندارد . زمان فعل جمله واره ي شرط در اين دسته "گذشته ي كامل" و زمان فعل جمله واره ي جواب شرط آنها "اينده در گذشته ي كامل" است .

Conditionals type three : This type of conditionals deal with past tense in which there is no possibility for the verbs of the clauses to occur . In this type , the tense of the verb in the dependent clause is "past perfect", and the tense of the verb in the main clause is "perfect future in past" .

Example : If you had studied your lessons last year , you would have passed your tests .

تذکر ۱- در جمله واره هاي شرطي منفي مي توان با خارج كردن جمله واره از صورت منفي از كلمه ي شرطي به معني "مگر آنكه" استفاده كرد . بايد توجه داشت بعد از اين كلمه ي شرطي جمله همواره مثبت است .

Note \- In negative clauses, "if" can be substituted by "unless" in case that the clause changes to positive. "Unless" should be used only at the beginning of positive clauses.

Example: You will not pass your tests if you don't study your lessons.

You will not pass your tests unless you study your tests.

تذکر ۲- در جمله وارہ های وابستہ در شرطی های نوع سوم می توان با انتقال فعل کمکی به ابتدای جمله وارہ کلمه ی شرط را در جمله وارہ حذف نمود.

Note ۲- In dependent clauses of conditionals type three , "had" can be placed at the very beginning of the clause to delete "if" .

Example: If you had studied your lessons , you would have passed your tests.

Had you studied your lessons , you would have passed your tests .

تذکر ۳- نوعی شرطی نیز وجود دارد کہ در آن جمله شرط دارای زمان گذشته کامل بوده اما جمله جواب شرط دارای زمان آینده درز گذشته ساده است. این نوع از شرطی ها نیز در گروه شرطی های غیرممکن قرار گرفته و آنها را شرطی های ترکیبی می نامند.

Note ۳- There's a unique type of the conditionals in which the "if" clause is in the past perfect, while the main clause is in the simple future in past . This type,too, stands in the "impossible" type and is titled as "composite conditionals".

Example: If I had not spent the money, I could buy the bicycle now.

Wish

این کلمه به معنی "کاش" است و اگر در جمله به کار برده شود بیانگر آن است کہ رویداد فعل مورد نظر یا بسیار بعید و یا غیرممکن است.

الف - کاربرد این کلمه در آرزوهای بسیار بعید مربوط به زمان حال با صرف فعل در زمان گذشته ی ساده همانند مثال زیر صورت می گیرد:

Verbs after “wish” prove a condition of very slight probability or impossibility to occur .

A-When used for present tense, the verb in the sentence succeeding it is in “simple past” to prove a very slight probability for the occurrence of the verb .

Example : I wish they brought the box with them .

Note : When necessary ,“were” is preferably used for all subjects in this type .

Example: I wish she were here to help us .

ب - کاربرد این کلمه در آرزوهای غیرممکن مربوط به زمان گذشته با صرف فعل در زمان گذشته ی کامل همانند مثال زیر صورت می گیرد:

B- When used for past tense, the verb in the sentence succeeding it is in “past perfect” to prove the impossibility of occurrence :

Example : I wish I had arrived a little later .

تذکر : آرزوهای غیر عملی در زمان آینده همانند مثال زیر بیان می شوند .

Note : Wish can be used for very slight probable occurrence of the actions in the future using a verb in the “future in past” tense :

Example : I wish you would slow down .

Causative voice

وجه سببي به آن دسته از جمله ها اطلاق آنها کار توسط شخصي ديگر انجام شده و نتیجه ي انجام آن به فاعل جمله مي رسد . در اين گونه از جمله ها فاعل از نظر معنایي انجام دهنده ي کار نیست و صرفا از لحاظ دستوري در جایگاه فاعل قرار گرفته است.

Causative sentences are the group of sentences in which the subject of the sentence is not the actual doer of the verb ; the verb whose effect of occurrence is up to the subject is in fact done by someone other than the subject of the sentence .

جمله ها در وجه سببي به دو گروه معلوم و مجهول طبقه بندي مي شوند.

Sentences in causative voice are categorized in two groups of "passive" and "active" .

الف – وجه سببي مجهول : در اين گروه انجام دهنده ي واقعي فعل ذکر نشده و صرفا دریافت کننده ي نتیجه ي انجام فعل معرفي مي شود . ساخت جمله هاي سببي مجهول طبق مثال زیر صورت مي گیرد:

A – Passive causative : In this type , the actual doer of the verb is not mentioned ,in fact , the receiver of the effect of the occurrence of the verb is mentioned only . The rule to make passive causatives is as the following example:

Sentence: The barber cuts my hair every month . :

Passive causative: A= I have my hair cut every month .

B= I get my hair cut evry month.

Note : The verb "have" in passive causatives is a main verb , and the other verb of the sentence is used in past participle form .

ب – وجه سببي معلوم : انجام دهنده ي واقعي فعل به شکل مفعولي بعد از فعل های سببی:

have / get

بعد از فعل have. ریشه ي مصدر به کار مي رود

بعد از فعل get. مصدر کامل به کار مي رود

B – Active causitives : In this type of causitives , the actual doer of the verb is mentioned after the causative verb in the object form . Here , there use of causative verbs “get” and “have” differ grammatically :

۱- After “ have” infinitive without to is used .

۲- After “get” infinitive with to is used .

Examples : I have the barber cut my hair every month .

I get the barber to cut my hair every month .

جمله های نقل قول

Reported speech

جمله های نقل قول به جمله هایی گفته مي شود که به کمک آنها گفته های شخصي ديگر توسط گوینده بازگويي شود. به بیان ديگر این جمله ها حامل پیامي هستند که متعلق به گوینده ي پیام نیست.

Reported speech denotes the statements through which the speech of someone else is stated ; in other words, what is stated is not the speech of the one saying it .

جمله های نقل قول خود از دو جمله ي کوچکتر تشکیل مي شوند:

جمله ي نقل – که متعلق به شخص بازگو کننده ي پیام است.

جمله ي قول – که متعلق به صاحب پیام است .

Statements of reported speech are themselves composed of two smaller sentences :

۱- Reporter's sentence

۲- Reported sentence

جمله هاي نقل قول به دو گروه "نقل قول مستقيم" و "نقل قول غير مستقيم" بشرح زير تقسيم مي شوند.

Reported speech sentences are categorized into "direct" and "indirect" types .

الف – نقل قول مستقيم : در اين گروه گفته ي صاحب پيام بدون هيچ گونه تغيير در متن گفته و لحن آن بازگو مي شود . بر اين اساس جمله ي بازگو شده با علائم نگارشي آن در داخل نشانه هاي نقل قول قرار مي گيرد . در صورتي كه فاعل جمله ي نقل ضمير نباشد و جمله ي نقل بعد از قول بيان شود مي توان فعل را قبل از فاعل قرار داد .

A – Direct speech : In this type , the reported sentence directly and with no change in the form or intonation , is reported . The reported sentence , along with its punctuations is located in "quotation marks" . When the subject in the "report" sentence is a direct noun and not a pronoun , and the "report sentence stands after the "reported" sentence , the verb of the "report" sentence may stand before the subject .

Example: The man said , " I want you to help me with my problem in that company . "

"I want you to help me with my problem in that company . " said the man .

ب – نقل قول غير مستقيم : در اين نوع از نقل قول پيام موجود در گفته ي صاحب پيام و نه الزاما عين گفته هاي او بازگو مي شود . اين نوع از نقل قول مستلزم ساخت دو جمله واره از دو جمله براي ساخت يك جمله ي كامل است . در اين راستا جمله ي نقل به جمله واره ي اصلي و جمله ي قول به جمله واره ي وابسته تبديل مي شود كه از لحاظ دستوري و زبانشناختي تحت سيطره ي جمله واره ي اصلي قرار مي گيرد .

B – Indirect speech : In this type of reported speech , the essence of the report , and not exactly the words , are reported .This type necessitates the conversion of two sentences into two clauses , in which the “report” stands as the main clause and the “reported” as the dependent , in which “reported” grammatically and linguistically proves the state of being under the domination of the main clause, “report” .

برای تبدیل جمله های نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم شناخت نوع جمله ی "قول" اهمیت اساسی دارد.

To change a direct speech into an indirect speech , the type of the “reported” sentence is of major appreciation .

انواع جمله های قول:

امری

خبری

(پرسشی) ساده یا با کلمه های پرسشی

Types or “report” sentences:

۱- imperative

۲- simple statement

۳- question (simple or “wh” question)

نوع اول – امری : در این گروه فعل جمله ی امر در صورت مثبت بودن به شکل مصدر کامل به کار رفته و قید خواهش در جمله ی قول حذف می شود . در صورتی که امر منفی باشد قبل از مصدر کامل جمله ی نقل قول غیرمستقیم ادات نفی به کار رفته تا مصدر منفی شود . در این مورد بهتر است یک فعل امری یا خواهشی جایگزین فعل در جمله ی نقل شده و متناسب با مخاطب جمله ی نقل برای آن فعل مفعول به کار رود.

Type one –Imperative : In this type , the verb of the imperative sentence is used as infinitive with “to” ,while “please” is ignored . If the imperative is negative , “not” is inserted right before the infinitive . Imperative or request verbs such as “tell” , “order” or “ask” are preferably substituted for the verb in “report” sentence along with an object due to the addressee of the imperative verb .

The man said , “ Leave the room immediately! “

The man told them to leave the room immediately .

She said , “ Please don’t answer the questions hurriedly . “

She asked him not to answer the questions hurriedly .

نوع دوم – خبري : در این گروه جمله ي "قول" به عنوان یک جمله واره ي وابسته از همه ي جهات از جمله زمان گروه هاي اسمي (در صورت يکي بودن) و قيد مکان و قيد زمان تحت سيطره ي جمله ي واره ي "نقل" به عنوان جمله واره ي مستقل قرار داشته و با آن تطبيق مي شود . تطابق زماني اصولاً زماني انجام مي شود که زمان جمله ي نقل مربوط به زمان قبل از حال باشد و براي اساس زمان جمله ي قول یک زمان به عقب برده مي شود . بديهي است صرف فعل جمله ي نقل در زمان حال باعث تغيير ي در زمان جمله ي قول نخواهد شد .

Type two – Simple statement : In this type , the “reported” sentence acts as a dependent clause and is adapted to the main clause -“report” sentence - in all aspects including tense noun phrases (if they are the same) , place and time adverbs . Tense adaptiaton normally takes place when the verb in the “report” sentence is in the past , however , if it is in a tense other than the group of the past tense , no adaptation in the tense of the dependent clause – “reported” sentence – takes place .

Examples:

He said , “ I want you to help me with my problem in that company today . “

He said that he wanted her to help him with his problem in the company that day .

They said, “We will go to visit those beautiful places in that city tomorrow. “

They said that they would go to visit the beautiful places in the city the next day.

You said , “ I spoke to my brother here yesterday . “

You said that you had spoken to your brother there the previous day .

She says , “ We can stay with her until he comes back . “

She says that we can stay with her until he comes back .

نوع سوم – پرسشی : این گروه خود به دو زیرگروه کوچکتر به شرح زیر تقسیم می شود

الف – پرسشی ساده : در این دسته ابتدا جمله ی "قول" از صورت پرسشی به صورت خبری تبدیل شده و سپس تمامی قواعد تطبیقی بیان شده در بند قبل در مورد آن اعمال می شود .

Type three – Question : This category is itself subdivided into two subcategories

A – Simple questions : In this group “reported” sentence is first changed into a simple statement , then undergoes the adaptations right mentioned for the second type . Either the word “if”or “weather” is used at the beginning of the dependent clause to link it to the main clause .”Ask”along with a relevant object is used in the main clause of this type .

Example : She said , “ Do you like to stay in my house for a longer time ?”

She asked me whether / if I liked to stay in her house for a longer time .

ب- پرسشی با کلمه های استفهامی : ساخت جمله های نقل قول غیر مستقیم در این گروه همانند نوع پرسشی ساده است با این تفاوت که کلمه ی پرسشی در ابتدای جمله ی "قول" نقش وصل کننده ی دو جمله واره در نقل قول غیر مستقیم را بر عهده دارد.

B- “Wh” questions : The procedure to make indirect speech out of “wh” questions is the same as simple questions, the difference is in the relative ; in this type , the “wh” word acts as a the relative .

Example: He said. "Who do you prefer to visit tomorrow ? "

He asked me who I preferred to visit the following day .

جمله هاي نقل قول استنباطي : نوع ديگري از جمله هاي نقل قول غيرمستقيم وجود دارند كه در آن جمله ي قول با برداشت بازگو كننده از پيام ادغام شده و بازگو مي شود.

Inferred indirect speech : Another type of indirect speech is practically used in discourse in which the meaning of the "reported" sentence is combined with what the reporter has grasped from the "reported" sentence .

Examples: He says, "You had better agree with them. "

He suggests me to agree with them.

She said, "You should first get a ticket! "

She ordered me to get a ticket first.